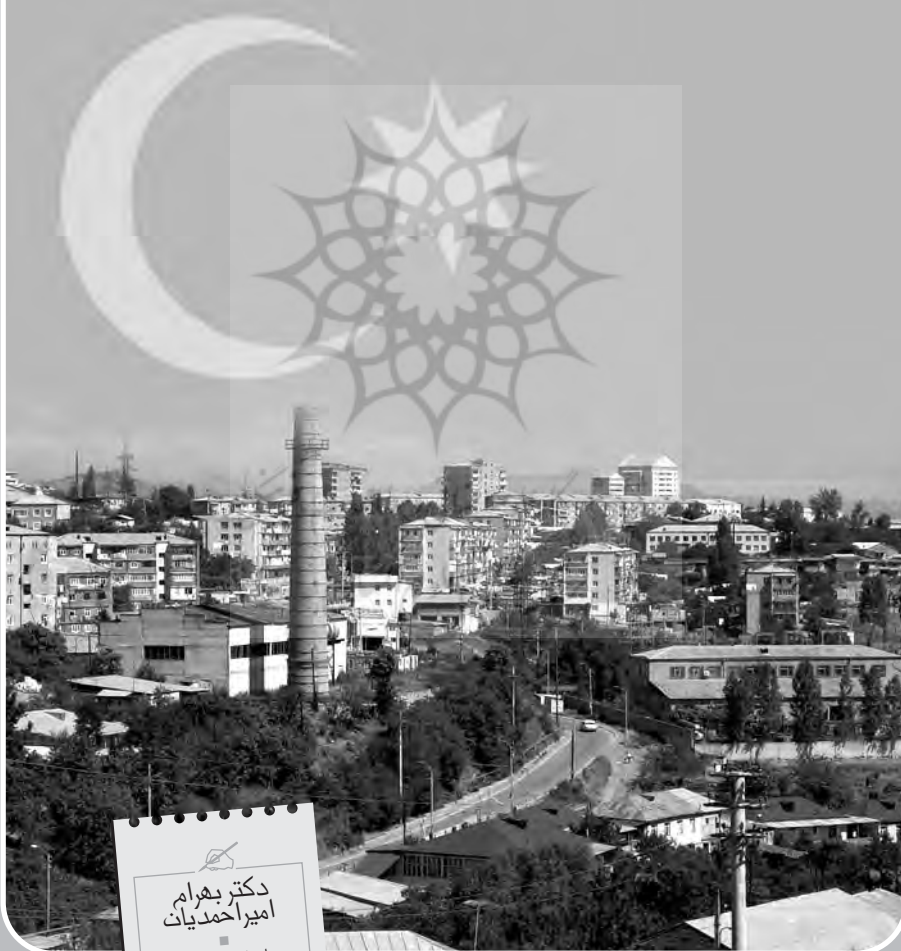


جمهوری آذربایجان و مساله قره‌باغ



دکتر بهرام
امیر احمدیان

استاد دانشگاه؛
پژوهشگر مسائل قفقاز



چکیده

مناقشه ارضی قره باغ بین ارمنستان و آذربایجان در سال ۱۹۸۸ آغاز شد. در آن زمان منطقه کوهستانی قره باغ که بیشتر ساکنین آن را ازمنه تشکیل می‌دادند، اعلام کرد که از ترکیب آذربایجان خارج می‌شود. روز دهم دسامبر سال ۱۹۹۱ در قره باغ رفراندومی برگزار شد که طی آن بیشتر مردم خواستار کسب استقلال کامل از آذربایجان شدند. پس از آن اقدامات گسترده نظامی آغاز گردید که در نتیجه آن آذربایجان کنترل بر منطقه قره باغ و هفت منطقه پیرامون آن را از دست داد. از روز دوازدهم ماه مه ۱۹۹۴ پس از امضای قرارداد صلح در بیشکک، اقدامات نظامی در منطقه مناقشه که در نتیجه آن حدود ۱۵ هزار نفر کشته و حدود ۱ میلیون نفر مجبور به ترک خانه‌های خود شده بودند، متوقف شد. از سال ۱۹۹۲ تا به امروز مذاکراتی برای حل مسالمت‌آمیز مناقشه در چارچوب گروه مینسک سازمان امنیت و همکاری اروپا انجام می‌شوند که تا کنون نتیجه خاصی نداشته‌اند و افکار عمومی منطقه همچنان سوالات و ابهامات زیادی در خصوص سرانجام این مناقشه دارند.

این پژوهش در صدد یافتن پاسخهایی برای این پرسش هاست که آیا منطقه قره‌باغ آن طور که گفته می‌شود از اهمیت استراتژیک برخوردار است؟ آیا آذربایجان اراده آن را دارد که در شرایط ثبات نسبی حاصل از درآمدهای نفتی، به ریسک جنگ دامن بزند؟ آیا ارامنه قره‌باغ حاضر می‌شوند سرزمینی را که بنا به گفته خودشان آزاد کرده و در آن جمهوری خودخوانده تشکیل داده‌اند رها سازند و دوباره آن را در اختیار آذربایجان قرار دهند؟ آیا ارمنستان پس از صرف هزینه‌های انسانی و مادی، از درگیر شدن در این جنگ صرف نظر کرده و حاضر به عقب نشینی از موضع حمایت از قره‌باغ خواهد شد؟ آیا دولت آذربایجان حاضر خواهد شد بخشی از سرزمین مورد ادعای قره‌باغ را از دست بدهد؟ این دولت‌ها در برابر ملت‌ها چه پاسخ‌هایی خواهند داشت؟ آیا با همان قانونی که آذربایجان، ارمنستان یا دیگر جمهوری‌های اتحاد شوروی از اتحاد شوروی جدا و استقلال خود را اعلام داشتند، دولت‌های جنینی قره‌باغ، اوستیای جنوبی، آبخازیا و... هم می‌توانند از کشورهای به اصطلاح مادر جدا شوند (همانند کوزوو)؟ اگر کوزوو توانست چرا آن‌ها نتوانند به این حق دست یابند؟ این پرسش‌ها و ده‌ها پرسش دیگر، چیزی است که افکار عمومی سه طرف درگیر را به خود مشغول داشته است.

طرح مساله

از سال ۱۹۸۸ و پیش از پایان جنگ سرد، در اثر سیاستهای گلاسنوست و پروسترویکای حزب کمونیست شوروی، فضای باز سیاسی به وجود آمد که در آن اختلافات خفته قومی در قلمرو این کشور پهناور امکان بروز یافته و کینه‌های زیر خاکستر آشکار شد. مهمترین و گسترده‌ترین این بحرانها در منطقه قره‌باغ، بین جمهوری آذربایجان و ارامنه ای به وجود آمد که از قرن‌ها پیش در آنجا می‌زیستند و مردمان بومی همان جا بودند. ارامنه قره‌باغ با کمک ارتش شوروی و ارتش ارمنستان توانستند نه تنها ولایت خودمختار قره‌باغ کوهستانی (در ترکیب جمهوری آذربایجان) را از سلطه دولت مرکزی جمهوری آذربایجان خارج سازند، بلکه با تصرف و اشغال بخشهای پیرامونی و تسخیر دالان استراتژیک لاپچین که حائل بین قلمرو ارمنستان با جمهوری آذربایجان بوده و پیوند دهنده قلمرو قره‌باغ با ارمنستان بود، قلمروی به مساحت حدود ۱۶ درصد خاک آذربایجان اشغال گردید و نواحی پیرامونی شامل فضولی، جبرائیل، زنگیلان، قبادلی، کلبجر، لاپچین در تصرف جدایی طلبان ارمنی قرار گرفت. از چهار می ۱۹۹۴ بر اساس توافقنامه گروه مینسک آتش بس بین طرفین

برقرار شد که تاکنون ادامه دارد.

گروه مینسک سازمان امنیت و همکاری اروپا عبارت از سه کشور - ایالات متحده آمریکا، فرانسه و روسیه در مسئله حل صلح آمیز مناقشه قره باغ کوهستانی میانجیگری می‌کنند که، فعالیت‌های آنها تاکنون نتیجه قابل توجهی نداشته است.

این پژوهش در صدد یافتن پاسخهایی برای این پرسش هاست که آیا منطقه قره‌باغ آن طور که گفته می‌شود از اهمیت استراتژیک برخوردار است؟ آیا آذربایجان اراده آن را دارد که در شرایط ثبات نسبی حاصل از درآمدهای نفتی، به ریسک جنگ دامن بزند؟ آیا ارامنه قره‌باغ حاضر می‌شوند سرزمینی را که بنا به گفته خودشان آزاد کرده و در آن جمهوری خودخوانده تشکیل داده‌اند رها سازند و دوباره آن را در اختیار آذربایجان قرار دهند؟ آیا ارمنستان پس از صرف هزینه‌های انسانی و مادی، از درگیر شدن در این جنگ صرف نظر کرده و حاضر به عقب نشینی از موضع حمایت از قره‌باغ خواهد شد؟ آیا دولت آذربایجان حاضر خواهد شد بخشی از سرزمین مورد ادعای قره‌باغ را از دست بدهد؟ این دولت‌ها در برابر ملت‌ها چه پاسخ‌هایی خواهند داشت؟ آیا با همان قانونی که آذربایجان، ارمنستان یا دیگر جمهوری‌های اتحاد شوروی از اتحاد شوروی جدا و استقلال خود را اعلام داشتند، دولت‌های جنینی قره‌باغ، اوستیای جنوبی، آبخازیا و... هم می‌توانند از کشورهای به اصطلاح مادر جدا شوند (همانند کوزوو)؟ اگر کوزوو توانست چرا آن‌ها نتوانند به این حق دست یابند؟ این پرسش‌ها و ده‌ها پرسش دیگر، چیزی است که افکار عمومی سه طرف درگیر را به خود مشغول داشته است.

روند تحول

بحران قره‌باغ از جمله بحران‌های منحصر به فردی است که از یک بحران محلی کم‌اهمیت به بحرانی منطقه‌ای تبدیل شده است. این بحران اگرچه در همان حد منطقه‌ای باقی مانده، ولی پتانسیل تبدیل شدن به بحرانی جهانی را داراست.

جمهوری آذربایجان با کسب قدرت مالی از محل فروش نفت صادراتی^۱ و تقویت بنیه دفاعی خود در سال‌های اخیر در پی تغییر موازنه قوا و تهدید ارمنستان به حل مسأله از طریق نظامی در صورت نرسیدن به توافق است.

اگر در شرایط شکننده کنونی آتش جنگ دوباره شعله ور شود، می‌تواند ثبات منطقه را برهم بزند

و دولت‌های منطقه را به هواداری از یک طرف و درگیر شدن در جنگ رهنمون شود. در آن صورت بحران قره‌باغ از بحرانی منطقه‌ای به بحرانی جهانی تبدیل خواهد شد.

روسیه در شرایط موجود در حال از دست دادن دایره نفوذ خود در قفقاز است و ایالات متحده به حذف هرچه بیشتر روسیه از قفقاز می‌اندیشد. ناتو در صدد ورود رسمی به قفقاز است و گرجستان و آذربایجان برای ورود به ناتو بی‌تابی می‌کنند؛ ارمنستان متحد قدیمی و سنتی روسیه با اظهار علاقه جهت ورود به ناتو و ساختارهای اروپایی درصد خروج از مدار روسیه بوده و قصد برهم زدن معادلات را دارد. وضعیت منطقه بیش از پیش شکننده شده است.

هر نوع تغییر در ساختار قدرت منطقه، می‌تواند منطقه قفقاز را در مدار آمریکا و



ناتو و تقویت جایگاه آمریکا و متحدان منطقه‌ای اش

یعنی ترکیه و اسرائیل قرار داده و به تضعیف جایگاه

روسیه و ایران منجر شود. نزدیکی ترکیه به ارمنستان در

سالهای ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ و عادی سازی روابط در این راستا

قابل ارزیابی است.

قفقاز از نظر اقتصادی

(منابع طبیعی، اقلیم، سرزمین،

فرهنگ پر بار با پیشینه و گوناگونی

نیروی انسانی آموزش دیده و

خلاق، راه‌های مبادلاتی

و موقعیت ژئوپلیتیکی و ترانزیتی

و...)، استعداد تبدیل شدن

به منطقه‌ای چهارراهی و بازاری

بین‌المللی برای همکاری‌های

اقتصادی و فرهنگی را داراست

به همین سبب حل معادله قره‌باغ از راه‌های

دیپلماتیک، هنری است که می‌تواند آینده منطقه را

دگرگون ساخته و از تبدیل شدن منطقه قفقاز به منطقه

برخورد جلوگیری نموده و آن را به منطقه‌ای آرام و با

ثبات و اقتصادی تبدیل کند. از این رو در کنار معادله

قره‌باغ، مسأله آبخازیا، اوستیای جنوبی در گرجستان و چچن در قفقاز شمالی، سرنوشت منطقه را

رقم خواهند زد.

اما لازمه مدیریت بحران‌های منطقه، بستگی به عمل بازیگران منطقه و فرامنطقه‌ای دارد که

منافع آنان نه تنها با یکدیگر در یک سو قرار ندارد، بلکه بیشتر در جهت مخالف است که ناگزیر آن را

به بازی حاصل جمع صفر تبدیل خواهد کرد؛ در حالی که قفقاز از نظر اقتصادی (منابع طبیعی،

اقلیم، سرزمین، فرهنگ پر بار با پیشینه و گوناگونی نیروی انسانی آموزش دیده و خلاق، راه‌های

مبادلاتی و موقعیت ژئوپلیتیکی و ترانزیتی و...)، استعداد تبدیل شدن به منطقه‌ای چهارراهی و

بازاری بین‌المللی برای همکاری‌های اقتصادی و فرهنگی را داراست.

از این منظر، لازم به نظر می‌رسد بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای برای تعامل در یک منطقه حساس، بایستی با در نظر گرفتن همه جوانب؛ قفقاز را آن طور که می‌تواند باشد مورد ملاحظه قرار دهند نه آن طور که خود دوست دارند.

ایالات متحده می‌خواهد دولت‌های گوش به فرمانی را در قفقاز برسر کار داشته باشد که نه تنها ایران و روسیه را کنار بگذارند، بلکه از منطقه حذف و روابط خود را با آن‌ها قطع کنند. ایران و روسیه نیز در مقابل از دولت‌های منطقه می‌خواهند آمریکا، ترکیه و اسرائیل را کنار بزنند و به ساختارهای منطقه‌ای پیوندند و از نظامی شدن منطقه دوری کنند.

اگرچه روسیه خواهان منافع حداکثری و حتی رقابت با ایران است، ولی این رقابت لزوماً به معنای



تخاصم نیست و هر دو کشور منطقه‌ای می‌توانند با تعامل با یکدیگر و کشورهای منطقه‌ای در چهارچوب همکاری‌های منطقه‌ای با یکدیگر و در کنار هم در منطقه تعامل داشته باشند، چیزی که پس از فروپاشی شوروی و استقلال جمهوری‌های قفقاز کمتر مورد توجه قرار گرفته و استعدادهای منطقه و کشورهای پیرامونی در راه رقابت‌های ناسالم به کار گرفته شده و در راستای رقابت‌های خصمانه و حذفی صرف شده و ناگزیر به ادامه بحران‌ها و عدم توسعه کل منطقه

ایالات متحده می‌خواهد دولت‌های گوش به فرمانی را در قفقاز برسر کار داشته باشد که نه تنها ایران و روسیه را کنار بگذارند، بلکه از منطقه حذف و روابط خود را با آن‌ها قطع کنند. ایران و روسیه نیز در مقابل از دولت‌های منطقه می‌خواهند آمریکا، ترکیه و اسرائیل را کنار بزنند.

منجر شده است.

تحوالات گرجستان و بروز انقلاب رنگی در آن (سال ۲۰۰۳) و توسعه‌اندیشه‌های برکناری دولت‌های منطقه از طریق انقلاب‌های رنگی (اوکراین ۲۰۰۴، قرقیزستان ۲۰۰۵ و ۲۰۱۰)، سبب دگرگونی‌های اجتماعی زودگذر در منطقه شد که مدتی منطقه را ناآرام کرد.

با پیروی از گرجستان، انقلاب نارنجی در اوکراین رخ داد و موجب رضایت دولت‌ها و سازمان‌های غربی و دلگرمی آنان برای تداوم آن در سایر جمهوری‌ها شد که به زعم غرب، به سوی غرب و خروج از حوزه نفوذ روسیه گام بر می‌داشتند. اما عدم موفقیت این جریان در آذربایجان (انقلاب آبی) و ازبکستان (انقلاب سبز در اندیجان در دره فرغانه در سال ۲۰۰۵) سبب

ناکامی و ناکارآمدی این سناریو در منطقه شد.

به همین سبب پس از شکست جریان انقلاب رنگی در انتخابات پارلمانی آذربایجان در سال ۲۰۰۳، این دولت مصمم به جهت گیری در راستای حل مناقشه قره باغ شد. گفته می شود که رئیس جمهور آذربایجان در آن برهه گفته بود که اقدام غرب برای بروز انقلاب رنگی در آذربایجان، دولت آذربایجان را در حمله نظامی به ارمنستان و بازپس گیری اراضی اشغالی ناگزیر خواهد کرد تا بدین ترتیب مردم را درگیر مسأله جنگ کند و توجه توده ها و افکار عمومی را به فضای بحرانی جنگ جلب نماید. بدین ترتیب بحران قره باغ به ابزاری جهت تحمیل اراده های سیاسی مقامات و دولت ها تبدیل شده است.

اکنون که بیش از ۱۵ سال از اجرای آتش بس بین دو جمهوری ارمنستان و آذربایجان در جبهه های جنگ ناگورنو قره باغ می گذرد، چشم انداز روشنی از برقراری صلح دیده نمی شود. اظهار تمایل رؤسای جمهور دو کشور به حل بحران و ادامه مذاکرات چندجانبه و دوجانبه و انجام گفت و گوهای دو جانبه آنان در دولت های قبلی و کنونی هم نتوانسته است تصویر روشنی از آینده سیاسی قره باغ و چگونگی وضعیت حقوقی آن به دست بدهد.

آذربایجان هیچ گاه حاضر نشده است در مذاکرات صلح، قره باغی ها و نمایندگان آن ها را به عنوان طرف سوم بپذیرد. در حالی که حتی روسیه با چچن ها مستقیماً وارد مذاکره شده بود و دولت سودان با شورشیان جنوب وارد مذاکره می شد.

تحولاتی که در جهان در حال شکل گیری است می تواند تأثیرات سرنوشت سازی بر دولت های جنینی داشته باشد. آبخازیا و اوستیای جنوبی در گرجستان، چچن در روسیه و به طور اولی قره باغ در آذربایجان استعداد شگرفی برای کسب استقلال و شناسایی از سوی جامعه جهانی دارند همان طور که در منطقه کوزوو در صربستان اتفاق افتاد و در نظام بین الملل الگویی شد که از سوی جامعه جهانی مورد شناسایی قرار گیرد.

معاون دومی دولتی روسیه در بیست و دوم فوریه ۲۰۰۶ اعلام داشت که استقلال کوزوو می تواند سرمشقی برای استقلال قره باغ باشد. در نهایت قره باغ و دیگر دولت های جنینی (به جز چچن که به شدت مورد توجه، نظارت و کنترل شدید نظامی - امنیتی روسیه قرار دارد) با استقلال و یا حداقل کسب خودمختاری در سطحی گسترده نقشه سیاسی منطقه را دگرگون خواهند کرد. اعلام استقلال اوستیای جنوبی و آبخازیا و شناسایی رسمی آن از سوی روسیه در سال ۲۰۰۸ پس از جنگ

روسیه با گرجستان در هشتم اوت، راه را برای قره باغ هموارتر کرده است. مهمتر اینکه قره باغ دارای پارلمان، نهاد ریاست جمهوری و ارتش ملی است و دولت داری حدود ۲۰ ساله را تجربه کرده و از سوی آمریکا حمایت مادی و معنوی می‌شود و در آنجا نمایندگی دایر کرده است.

این تحولات در عرصه بین الملل مناطق زیادی را در بر خواهد گرفت که از آسیا تا آفریقا و قفقاز و بالکان را خواهد پوشاند. این چشم انداز همان چیزی است که پطروس عالی در زمان دبیر کلی سازمان ملل در دهه ۹۰ بدان اشاره کرده و گفته بود طولی نخواهد کشید که اعضای سازمان ملل به دو برابر یا بیشتر افزایش یابد.

وضعیت قره باغ

اکنون باید وضعیت قره باغ را در نظر گرفت. برخلاف آن چه در افکار عمومی مطرح است، موقعیت قره باغ استراتژیک نیست. این ادعا بدان جهت است که قره باغ ویژگی یک منطقه استراتژیک را دارا نیست. زیرا اگر موقعیت آن استراتژیک بود و برای منطقه و جهان از اهمیت برخوردار بود، وضعیت آن به سرعت به ثبات باز می‌گشت. برای مثال می‌توان از وضعیت کویت نام برد. کویت در آغاز دهه ۱۹۹۰ از سوی عراق اشغال شد، پاسخ جامعه جهانی بدان و رفع اشغال کاملاً با قره باغ متفاوت بود، در حالی که از نظر ماهوی شبیه هم بودند. در هر دو مورد اشغال سرزمین‌های مسلمانان روی داده بود.

اما سرزمین‌های اشغالی قره باغ آزاد نشد. چرا؟ موقعیت قره باغ شبیه کشمیر است؛ بدین معنی که بهترین وضعیت آن همانی است که اکنون در آن به سر می‌برد. استقلال یا باقی ماندن آن در ترکیب آذربایجان یا الحاق آن به ارمنستان هر یک دارای اشکال حقوقی، قانونی و سیاسی است. بی‌جهت نیست که رهبران هر دو کشور آذربایجان و ارمنستان همچون رهبران هند و پاکستان بر سر کشمیر، تعجیلی در بازی نهایی در این قمار خطرناک ندارند. از طرفی قره باغ برگ برنده هر دو طرف یا هر سه طرف است، آذربایجان، ارمنستان و قره باغ.

در نه صلح و نه جنگ، شرایط «جامعه امنیتی» تعریف و اقتصاد، سیاسی می‌شود و امکان پوشش قانونی برای پنهان کردن حیف و میل درآمدهای ملی و کمک‌های بلاعوض سازمان‌های بین‌المللی فراهم می‌شود که مراکز متعدد قدرت از آن بهره‌مند می‌شوند.

چنین شرایطی به دولت‌ها امکان می‌دهد درآمدهای ملی جامعه را صرف تشکیل نیروهای

امنیتی کنند تا هیئت حاکمه را بیشتر محافظت کرده و طول دوره قدرت آنان را طولانی تر و بقای مشروعیت آنان را تضمین و تأمین کنند. همچنین عدم پاسخگویی آنان به سازمان‌های حسابرسی به دلیل محرمانه قلمداد کردن ترتیبات امنیتی و نظامی، از شگردهایی است که می‌تواند توجیه این نوع سوء استفاده‌های دوا بر قدرت باشد.

در حال حاضر جمهوری خودخوانده قره‌باغ در نیویورک دفتر نمایندگی داشته و سایت اینترنتی بسیار گسترده و پرهزینه ای دارد. ارتش قره‌باغ حدود ۸۱ هزار نیروی نظامی، ۴۰ هزار چریک شبه نظامی، تعداد زیادی (۶۱۳ دستگاه) تانک‌های تی ۲۷، تی ۵۵، نفربر زرهی (۲۴۳ دستگاه)، انواع توپخانه (۲۲۳ آتشبار) و انواع موشک و سلاح‌های دیگر در اختیار دارد.



قره‌باغ، هیئت دولت کاملی دارد و از کمک‌های ایالات متحده و ارامنه سراسر جهان به ویژه از سوی ارامنه ساکن در آمریکا حمایت‌های مالی و سیاسی می‌شود. تولید ناخالص داخلی قره‌باغ در سال ۲۰۰۵ نسبت به سال قبل از آن ۱۳/۵ درصد رشد داشته است. نیروهای ارمنی قره‌باغ با به دست گرفتن بلندی‌های مشرف به دشت شیروان بر نواحی هموار و همجوار شرق قره‌باغ و پیشکوه‌های دشت‌های غربی آذربایجان اشراف کامل دارند و تمام مناطق غربی آذربایجان و راه‌های تدارکاتی جنوب - شمال و شرق - غرب در تیررس توپخانه آنان قرار دارد. هر نوع حمله آذربایجان به بلندی‌های قره‌باغ با تلفات زیادی (عمدتاً طرف آذری) روبرو خواهد شد.

این موارد به طور حتم از نظر آذری‌ها به دور نمی‌ماند و دولت آذربایجان را در انتخاب گزینه نظامی با تردید روبرو می‌سازد. هنوز اسکان آوارگان جنگ قره‌باغ که در اوایل سال‌های دهه ۹۰ آواره شدند، به طور کامل از سوی دولت آذربایجان حل نشده و دشواری‌های بسیاری برای دولت پدید آورده است. تأمین شغل برای جمعیت فعال از نظر اقتصادی در بین این آوارگان هنوز حل نشده و بیکاری سبب بروز ناهنجاری‌های اجتماعی شده است.

تأمین نیازهای خانواده شهدا و معلولان جنگی از سوی نهادهای حکومتی آذربایجان با مشکلات و موانع جدی روبرو است و گاهی به برخوردها و تظاهرات این جامعه با دولت منجر می‌شود. افزودن بر تعداد این کمک‌گیرندگان که از درگیری نظامی دوباره بین دو طرف پدید خواهد آمد، نه دلخواه دولت آذربایجان است و نه دولت ارمنستان.

در منازعه قره‌باغ، ذهنیت آرامنه، خاطره تاریخی ایشان و برداشت منفی آن‌ها از آذری‌ها نقش عمده‌ای در مقایسه با پارامترهای عینی و واقعی ایفا می‌نماید. آرامنه پیشینه و فرهنگ منحصر به فردی دارند. حتی سبک برداشت آن‌ها از مسیحیت گرایش ملی داشته و تفاوت‌های قابل توجهی با فرقه‌های ارتدوکس و کاتولیک دارد.

به علاوه حس خودآگاهی ملی در آرامنه بسیار قوی



است. تاریخ ارمنستان حاکی از مقابله یک اقلیت مسیحی با اکثریتی غیر مسیحی (مسلمان) است.

علی‌رغم قتل‌عام‌های دسته‌جمعی و تبعیدهای اجباری و نسل‌کشی‌هایی که در سال ۱۹۱۵ توسط ترک‌ها به عمل آمده بود، آن‌چه که برای آرامنه اهمیت دارد، این واقعیت است که آذری‌ها هم مسلمان و هم ترک هستند. بدین ترتیب کوچک‌ترین منازعه و درگیری با آن‌ها خاطرات کشتار سال ۱۹۱۵ را در اذعان آرامنه زنده می‌کند.

**نیروهای ارمنی قره‌باغ با
به دست گرفتن بلندی‌های
مشرف به دشت شیروان بر نواحی
هموار و همجوار شرق قره‌باغ
و پیشکوه‌های دشت‌های غربی
آذربایجان اشراف کامل دارند
و تمام مناطق غربی آذربایجان
و راه‌های تدارکاتی جنوب-شمال
و شرق-غرب در تیررس توپخانه
آنان قرار دارد**

بنابراین به نظر می‌رسد تضادهای فرهنگی و اختلافات قومی عامل مهمی در پیدایش منازعات بین دو جمهوری آذربایجان و ارمنستان باشد که نقش اساسی در تداوم مناقشه ایفا می‌نماید.

سازمان امنیت و همکاری اروپا از ابتدای فروپاشی اتحاد شوروی و پایان جنگ سرد در ارتباط با امنیت اروپا فعالیت‌های گسترده‌ای را در بحران قفقاز آغاز کرده است. از آنجا که اروپایی‌ها قفقاز جنوبی را در محدوده اروپا می‌شناسند (هر چند از نظر جغرافیایی، فرهنگی و تاریخی این قسمت از جهان، جزو آسیا محسوب می‌شود) و آن را در همسایگی خود تعریف می‌کنند، بروز هرگونه بحران در آن منطقه را تهدیدی برای اروپا می‌دانند. به همین سبب در مورد بحران‌هایی مانند بالکان

(بوسنی و کوزوو)، قفقاز (چچن، قره‌باغ استیا، آبخازیا)، قبرس، یونان و ترکیه، و کردهای ترکیه (از جمله مسأله اوجالان) که در اروپا و پیرامون آن رخ داده و می‌دهد، حساسیت زیادی از خود نشان می‌دهند.

گروه مینسک وابسته به این سازمان در مصوبه ۹ می‌سال ۱۹۹۴ بین آذربایجان و ارمنستان آتش‌بس اعلام کرد که با توافق طرفین درگیر و حمایت روسیه، از ۲۱ ماه می‌همان سال آتش‌بس به اجرا درآمد. از آن زمان تاکنون که مدت ۱۶ سال سپری شده است، با وجود درگیری‌های پراکنده مرزی، آتش‌بس همچنان باقی است ولی تحول مهمی برای حل بحران صورت نگرفته است. ارامنه قره‌باغ همچنان اراضی اشغالی را در کنترل دارند و دهها هزار آواره جنگی، در انتظار بازگشت به خانه‌های خویش در شرایط نامطلوبی به سر می‌برند. ارمنستان در موضع‌گیری‌های خود اعلام می‌کند که ارامنه قره‌باغ با آذربایجان درگیر هستند و نه نیروهای ارمنستان. بدین ترتیب، ارمنستان قصد دارد که مسأله درگیری را از جنگ بین ارمنستان و آذربایجان به جنگ بین آذربایجان و ارامنه قره‌باغ تبدیل نماید.

آذربایجان برای بازپس‌گیری قره‌باغ تمهیدات زیادی به کار برده و در سیاست‌های خارجی خود فاکتور قره‌باغ را مهم ارزیابی کرده است. در هر موقعیتی آذربایجان مسأله قره‌باغ را در پیش رو قرار می‌دهد. البته با وجود همه فعالیت‌ها متأسفانه جامعه جهانی چندان توجهی بدان ندارد.

در سیاست‌های خارجی حیدر علی‌اف قره‌باغ نقش ویژه‌ای داشت و او در طول دوره زمامداری خود سعی بسیار داشت که بتواند هر طور که شده، این مسأله را حل کند. در همین راستا کاشاندن پای شرکت‌های نفتی خارجی به منطقه و سرمایه‌گذاری آنان در دریای خزر و آذربایجان از جمله سیاست‌های اعلامی حیدر علی‌اف بود.

او بر این باور بود که شرکت‌های غربی که در آذربایجان و دریای خزر سرمایه‌گذاری کنند، نیاز به امنیت خواهند داشت و با وجود بحران قره‌باغ که امنیت و ثبات منطقه را به خطر انداخته است، سعی خواهند کرد که به آذربایجان در حل مسأله قره‌باغ کمک کنند.

اما همان‌طور که گفته شد، قره‌باغ از اهمیت استراتژیک برخوردار نیست و علاوه بر آن، شرکت‌های نفتی آمریکایی خط لوله انتقال نفت را از دالان قفقاز عبور دادند که قره‌باغ در جنوب آن قرار دارد. به علاوه نیروی حافظ امنیت چند ملیتی با کمک‌های فنی ناتو حفاظت از خطوط لوله را برعهده دارند.

بدین ترتیب این امید آذربایجان تحقق نیافت و عامل زمان به قره‌باغ کمک کرد تا بتواند اصول دولتداری را تجربه کند و از وابستگی خود به ارمنستان بکاهد و در مقابله احتمالی با آذربایجان توانمندتر شود.

این مدل همانند الگوی منطقه پرواز ممنوع در عراق بود که به شیعیان در جنوب و کردها در غرب و شمال امکان داد تا از عامل زمان بهره مند شده و تجربه دولتداری و مملکتداری را کسب کنند.

تخلیه اراضی اشغالی از سوی ارمنه

در مذاکرات گروه مینسک گفته شده است که برای برقراری صلح در قره‌باغ ابتدا ارمنستان هفت استان اشغالی آذربایجان در پیرامون ناگورنو قره‌باغ (مشمول بر استان‌های فضولی، زنگیلان، جبرائیل، کلبجر، آقدام، قبادلی و لاجین) را تخلیه و در آنجا نیروهای حافظ صلح بین المللی استقرار می‌یابند. حدود پنج سال بعد همه‌پرسی وضعیت حقوقی قره‌باغ برگزار خواهد شد. آذربایجان ابتدا با این ابتکار موافقت کرده بود، ولی با نحوه انتخابات مخالفت کرد. زیرا طرف ارمنی همه‌پرسی را از ساکنان کنونی قره‌باغ می‌داند و آذربایجان از کل ساکنین قره‌باغ که علاوه بر ارمنه شامل آذری‌هایی هستند که از منطقه رانده شده و در دیگر نقاط آذربایجان مستقر شده‌اند. به این ترتیب این مسأله نیز در کنار دیگر مسائل لاینحل به ادامه بحران می‌افزاید.

اکنون باید دید که تخلیه اراضی مورد نظر از دید ارمنه چگونه ارزیابی می‌شود؟ آیا آنان حاضر به تخلیه این اراضی هستند و اگر به این کار رضایت می‌دهند، چرا قبلاً این اراضی را اشغال کردند و منظور و اهداف استراتژیک آنان از این کار چه بود؟ یکی از این استان‌های استراتژیک در دوره آغازین جنگ کلبجر و لاجین بود که گردنه بسیار مهم لاجین در آن واقع است و تنها گذرگاهی بود که منطقه قره‌باغ را به ارمنستان پیوند می‌داد.

ارمنه اعلام کرده‌اند که حتی در صورت موافقت با تخلیه استان‌های اشغالی به هیچ عنوان لاجین را باز نخواهند گرداند، زیرا ارتباط قره‌باغ با ارمنستان تنها از این طریق امکان پذیر است. اکنون نظر تحلیلگران ارمنی را در زیر مورد بررسی قرار می‌دهیم: آیا طرف ارمنی باید قلمرو شش منطقه را بازگردانده و فقط لاجین را نگاه دارد؟ در آن صورت کل خطوط جبهه دو دولت ارمنی با آذربایجان، شامل نخجوان از ۵۰۴ کیلومتر کنونی به ۱۰۰۱ کیلومتر افزایش خواهد یافت و خطوط جبهه بین آرتساخ (قره‌باغ کوهستانی) و آذربایجان از ۵۰۱ کیلومتر به ۶۰۳ کیلومتر خواهد رسید.

برای ارائه تصویری کامل از این که مرزهای ارمنستان با همسایگان در حال مناقشه چه وضعیتی دارد، باید یادآوری کرد که ارمنستان با ترکیه نیز مرزی برابر ۶۸۲ کیلومتر دارد که از نظر تدافعی در وضعیت مناسبی نیست. اگر روابط ارمنستان و ترکیه بهبود یابد آیا این جبهه امن خواهد بود؟ ولی ترکیه اعلام کرده است که بعد از برقراری روابط و گشوده شدن مرزها؛ ارمنستان باید قره باغ را تخلیه کند. این موضوع شرایط را پیچیده تر می‌کند. به همین سبب نیروهای ملی در داخل ارمنستان با ابتکار جدید سرکیسیان - گل بشدت مخالفت دارند.

به منظور تقویت مؤثر خطوط جبهه گسترده، طرف ارمنی ناگزیر خواهد بود که منابع ضروری انسانی و مالی خود را بسیج کند.



ارمنستان در موضع‌گیری‌های

خود اعلام می‌کند که ارامنه

قره‌باغ با آذربایجان درگیر

هستند و نه نیروهای

ارمنستان. بدین ترتیب،

ارمنستان قصد دارد که مسأله

درگیری را از جنگ بین ارمنستان

و آذربایجان به جنگ بین

آذربایجان و ارامنه

قره‌باغ تبدیل نماید

نخست، طرف ارمنی ناگزیر خواهد بود نفرات

نظامی خود را (نیروهای مسلح ارمنستان و ارتش

دفاعی آرتساخ) افزایش دهد و بنابراین مدت زمان

خدمت وظیفه عمومی و ثبت نام افسران پیمانی را

افزایش دهد.

دوم، پس از بیرون کشیدن نیروها، طرف ارمنی

ناگزیر خواهد بود هزینه‌های زیادی را برای ایجاد

خطوط دفاعی جدید، تدارک ببیند. برای به کارگیری

اقدامات فوق، طرف ارمنی ناگزیر خواهد بود بودجه

نظامی خود را افزایش دهد، ولی برای انجام این کار،

ناچار است هزینه‌های اجتماعی اندک خود را بیشتر کاهش دهد که به دنبال آن با پیامدهای منفی

روبرو خواهد شد.

دگرگونی‌های پیش آمده در جوامع آذری و ارمنی

الف - نسل جدید

اکنون در آذربایجان و ارمنستان نسل جوانی پا به عرصه گذاشته است که از دوره شوروی

خاطره‌ای ندارد و با آن الگوها زندگی نکرده است. در هر دو کشور ارمنستان و آذربایجان نسل جوانی

که از ۲۰ سال به پایین سن دارند و تعداد قابل توجهی از جمعیت را تشکیل می‌دهند، با جهان معاصر

و تحولات بعد از جنگ سرد زندگی می‌کنند. اینها نسل جهان دیجیتالی هستند و نمی‌خواهند در فضای متصلب دوران جنگ سرد که هنوز بر منطقه حاکم است تنفس کنند. آنان تمایلی به ادامه جنگ ایدئولوژیک و سلطه طلبی ندارند و انتقاد از رهبران خود را در پیش گرفته‌اند. انقلابهای رنگین که در پاسخ به خواسته‌های نسل جوان (اگر چه با کمک خارجی‌ها) در برخی جمهوری‌ها شکل گرفته است، بدنبال مطالباتی است که جهان مدرن بدان نیاز دارد. سرکوب مخالفان وضعیت کنونی، هم در آذربایجان (در سال ۲۰۰۵) در هنگام انتخابات پارلمانی و قبل از آن انتخابات ریاست جمهوری و هم در انتخابات پارلمانی و ریاست جمهوری در ارمنستان در این راستا بوده است ولی از آنجا که در این جمهوریها دولتهای توتالیتر سرکوبگر وجود دارد، و مردم ابزار اعمال اراده و خواسته‌های خود را (احزاب، رسانه‌ها و مطبوعات آزاد



و حتی نمایندگان جامعه مدنی و آزاد در پارلمانهای خود) در دست ندارند، به شدت سرکوب می‌شوند و وضعیت موجود ادامه می‌یابد. رفراندوم قانون اساسی در جمهوری آذربایجان برای امکان کاندیداتوری رئیس جمهور در دوره سوم شاید راه را برای ریاست جمهوری مادام‌العمری الهام علی‌یف فراهم آورده است. در این منطقه حاکمان دائمی اند اگرچه نام پادشاهی ندارند و رئیس جمهور انتخابی اند.

ب - قره باغ به عنوان حیثیت و تابو

**حیدر علی اف بر این باور بود
که شرکت‌های غربی که در
آذربایجان و دریای خزر
سرمایه گذاری کنند،
نیاز به امنیت خواهند داشت
و با وجود بحران قره باغ که
امنیت و ثبات منطقه را به خطر
انداخته است، سعی خواهند
کرد که به آذربایجان
در حل مسأله قره باغ
کمک کنند**

هر یک از طرفین درگیری قره باغ را مسأله ای حیثیتی برای خود ارزیابی می‌کند زیرا در هر دو سو هویت ملی و بازبایی آن با مسأله قره باغ گره خورده است. ارامنه ادعا می‌کنند که قره باغ به آنان تعلق دارد زیرا این منطق به نام آرتساخ از قرون اولیه مسیحی ارمنی نشین بوده است و آذربایها ادعا می‌نمایند که نام آن گویای تعلق آن به ترک زبانان است و از طرفی دیگر آن را بخش مکملی از جغرافیای خود می‌دانند. آذربایها ادعا می‌کنند که از زمانهای دیرین این منطقه منطقه ای بی‌یاقی برای دشت نشینان آران (به معنی منطقه گرم در اصطلاح ترکی آذری) بوده است. ارامنه ادعا می‌کنند که آذربایجان منطقه ای هموار و دشت و جلگه بوده و قره باغ که ناحیه ای کوهستانی است مکمل جغرافیای ارمنستان است.

قره باغ و وجه المصلحه دولت‌های آذربایجان و ارمنستان است. در انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی هر دو طرف، تصاحب قره باغ یا برگرداندن حاکمیت دوباره آن، از وعده‌های انتخاباتی برای پیروزی و به دست‌گیری قدرت بوده است. از طرفی ادامه جنگ سبب خاموش کردن اعتراضات مدنی و صنفی و سیاسی مخالفان محسوب می‌گردد. بنابراین از مناقشه قره باغ طرف‌های بسیاری سود می‌برند و تنها طرف بازنده ارامنه قره باغ است که در شرایط محرومیت بسر می‌برند و دیگر آذری‌های ساکن در قره باغ اند که آواره جنگی هستند و هنوز هم به امید بازگشت در اردوگاه‌ها یا در وضعیت موقت نامطلوب زندگی می‌کنند. در هر دو سو در پایتخت‌های آذربایجان و ارمنستان هیچ نشانه‌ای از جنگ دیده نمی‌شود و ثروتمندان در حال کسب درآمد و فقرا و زحمتکشان در تکاپوی یافتن روزی روزانه.

ج - عدم تمایل به مناقشه ای دیگر

همان گونه که گفته شد، نسل جوان از یک سو، و ثروتمندان از سوی دیگر تمایلی به جنگی دیگر ندارند. جوانان به جهت سهیم نبودن در مناقشه تاریخی و کم‌رنگ شدن مسائل هویتی در بین آنان که در نتیجه فضای اینترنتی ایجاد شده است، نمی‌خواهند از وضعیت موجود (که مورد انتقاد آنان است) به وضعیتی نامطلوبتر که ناشی از جنگی دوباره خواهد بود، برگردند. جوانان در جستجوی یافتن وضعیت شغلی و اجتماعی آسوده‌ای هستند که پدران آنها در دوره شوروی از آن محروم، یا از آن بی‌اطلاع بودند (نبود امکان دستیابی به اطلاعات). ثروتمندان و مقامات عالی رتبه هر دو طرف هم تمایلی به از دست دادن ثروتها و امکاناتی که در اثر ادامه وضعیت آتش بس بدان دست یافته‌اند، ندارند.

مهم‌تر اینکه جمهوری آذربایجان نمی‌خواهد به خاطر منطقه‌ای که از نظر اقتصادی ارزش چندانی در تولید ثروت ملی ندارد (منطقه قره باغ کوهستانی)، شرایط مساعد برای بهره‌برداری از منابع نفتی، صدور به بازارهای جهانی و کسب دلارهای نفتی را از دست دهد. زیرا ارامنه قره باغ در صورت از دست دادن سرزمینی که برای آن مبارزه بسیار کرده و زندگی خود را با دشواریها و محرومیتهای آکنده کرده‌اند، راه دیگری به جز تخریب و تلافی از طریق ایجاد ناامنی در جریان خطوط لوله‌های انتقال انرژی آذربایجان به غرب نخواهند داشت. با این وجود به نظر می‌رسد جمهوری آذربایجان تصمیم دارد در صورت پافشاری ارامنه قره باغ به ادامه وضع موجود و سازش ناپذیری، و قطع شدن امیدها از راه حل دیپلماتیک به سوی بکارگیری ابزار نظامی باشد. در این راستا

مروری بر رفتارهای اخیر جمهوری آذربایجان و نیز برقراری روابط دیپلماتیک بین ترکیه مدافع اصلی آذربایجان با ارمنستان بیانگر این موضوع است که، معادله قفقاز در حال دگرگونی است.

د - شک و بدگمانی

با در نظر گرفتن شرایط موجود، مردم هر دو سوی درگیری، با دیده شک به مسائل می‌نگرند. وضعیت نه جنگ و نه صلح شرایط نامناسبی را برای طرفین ایجاد کرده است. سرکوب ندای مخالف به بهانه جنگ دستاویزی است برای رشد نیروهای امنیتی و نظامی که در سایه آن طبقات خاصی منافع سرشاری کسب می‌کنند و مانند برخی کشورهای منطقه، سبب نظامی و امنیتی شدن جامعه شده است. از این رو می‌توان گفت که به علت نبودن احزاب قدرتمند و سازمانهای مردم نهاد قوی نیز به دلیل وقوه قضائیه و مقننه و نیروهای نظامی تحت کنترل؛ دولتهای مقتدر، مردم را از جریان وقایع بی‌خبر گذاشته‌اند و همه اخبار محرمانه قلمداد می‌شود. بسته بودن فضای اطلاعات و نبود جریان آزاد آن به متصلب شدن شرایط منجر شده است.

ه - دیدار رهبران مذهبی ارمنستان و جمهوری آذربایجان

برای اولین بار پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، رهبر مذهبی ارمنه جهان برای شرکت در نشستی که سایر رهبران مذهبی دنیا نیز در آن حضور داشتند، به جمهوری آذربایجان سفر کرد. این اولین دیدار جاثلیق گارگین دوم، از جمهوری آذربایجان از زمان آغاز جنگ خونین بین دو کشور بر سر منطقه مورد مناقشه قره باغ است. جاثلیق گارگین دوم به دعوت شیخ الله شکور پاشازاده، رئیس اداره مسلمانان قفقاز به باکو سفر کرد. اسقف اعظم کیریل، رهبر کلیسای ارتودوکس روسیه نیز برای شرکت در این نشست به جمهوری آذربایجان سفر کرده بود.

اسقف اعظم کیریل طی سال‌های اخیر تلاش کرده که میان کشورهایی که دارای اختلافات سیاسی هستند، میانجیگری کند. او به عنوان نمونه برای کاستن از تنش میان روسیه و گرجستان، به تماس‌های کلیسای روسیه با کلیسای ارتودوکس گرجستان ادامه داد. رهبر کلیسای ارتودوکس روسیه در دیدار رهبران مذهبی جمهوری آذربایجان و ارمنستان که روابط سیاسی خصومت‌آمیزی دارند، حضور داشت. زمانی مسلمانان آذری و مسیحیان ارمنی در منطقه قره باغ کنار یکدیگر زندگی می‌کردند. سی هزار نفر در درگیری میان دو کشور جان خود را از دست دادند و صدها هزار نفر که بیشتر آنها را

شهروندان جمهوری آذربایجان تشکیل می‌دادند، آواره شدند.

سازمان دهندگان این نشست مذهبی در باکو، هدف از این گردهمایی را تشویق رهبران مذهبی به حضور فعال در صحنه دیپلماسی عنوان کردند. نزدیک به دویست رهبر مذهبی از سی کشور در این نشست حضور داشتند.

رهبران مذهبی جمهوری آذربایجان و ارمنستان پس از دیدار گفتند به حل و فصل مناقشه میان دو کشور کمک خواهند کرد. گارگین دوم و الله شکر پاشازاده در بیانیه ای گفتند ادامه گفت و گو رهبران مذهبی دو کشور برای حل این مناقشه مهم است.

اسقف اعظم کیریل نیز ابراز امیدواری کرده که این دیدار از تنش های میان دو کشور بکاهد.



رهبر مذهبی ارمنه جهان، الله شکر پاشازاده را به ارمنستان دعوت کرده است. این نوع دیدارها امید به گفت و گو و مفاهمه بین دو کشور را افزایش می‌دهد. هنرمندان، صاحبان کسب و کار، نمایندگان پارلمان، ورزشکاران و نهادهای غیر دولتی دو کشور امیدهای آینده برقراری مناسبات دو کشور شمرده می‌شوند که می‌توانند دو ملت را باهم آشتی دهند، اگرچه دولتمردان تمایلی به نزدیکی دو ملت ندارند.

در انتخابات

ریاست جمهوری

و پارلمانی هر دو طرف،

تصاحب قره باغ یا برگرداندن

حاکمیت دوباره آن،

از وعده‌های انتخاباتی

برای پیروزی و به دست‌گیری

قدرت بوده است

نقش قدرتهای منطقه‌ای در مناقشه قره باغ

موقعیت ژئوپلیتیکی قره باغ و شرایط کنونی آن همه کشورهای پیرامون را به نحوی تحت تاثیر قرار داده است. روسیه به عنوان بازیگر اصلی این صحنه، از آغاز و حتی به اعتباری در پیدایش و ادامه روند بحران مشارکت داشته است. با وجودی که اکنون روسیه با این منطقه همسایگی ندارد، اما در آن فعال و نقشی سرنوشت داشته، دارد و خواهد داشت. ایران تنها کشور منطقه همسایگی ندارد، اما در آن فعال این منطقه دارد و منافع ملی و تمامیت ارضی و امنیت ملی ایران می‌تواند تحت تاثیر مساله قره باغ قرار گیرد. ترکیه به عنوان بازیگر خارج از منطقه با تلاش برای قرار گرفتن در متن، همیشه خود را به منطقه و روند جریان تحمیل کرده است تا از این طریق منافی برای ارتقای موقعیت خود در قفقاز تدارک ببیند. مطالبی که در پی می‌آید، مروری بر رفتار هر یک از بازیگران در منطقه است.

ترکیه

روابط نزدیک آذربایجان با ترکیه به زمانی باز می‌گردد که در آغاز درگیریها؛ ترکیه اعلام کرد که هنگامی با ارمنستان روابط دیپلماتیک خود را آغاز خواهد نمود که مناطق اشغالی قره باغ را به آذربایجان بازپس دهد. از سال ۱۹۹۴ که آتش بس اعلام شده است نه ارمنستان از موضع خود عقب نشینی کرده و نه ترکیه روابط دیپلماتیک با ارمنستان برقرار کرده است. اما تنگناهای سرمایه گذاری غربیها در ترکیه و کاهش درآمدهای حاصل از توریستهای غربی (که ناشی از بحران اقتصادی جهانی است) ترکیه را ناگزیر به گرایش به سوی شرق و پیرامون و بنا به ادعای وزیر خارجه آن مرزهای امپراتوری عثمانی نموده است.

آغاز گفت و گوهای ترکیه و ارمنستان برای برقراری



روابط مجدد، پس از گذشت سالهای طولانی جهان را با شگفتی روبرو کرده است. ارمنستان؛ ترکیه را در کشتار آرامنه در سال ۱۹۱۵ از سوی دولت عثمانی محکوم و مقصر می‌شناسد و خواهان شناخته شدن این واقعه به عنوان نسل کشی است. آرامنه با لابی‌های قدرتمندی که در آمریکا و اروپا (به ویژه تعداد زیاد آرامنه ساکن در فرانسه) دارند در این زمینه گامهای بزرگی برداشته‌اند. بنابراین مادامی که ترکیه به این نسل کشی اعتراف نکند، ارمنه با برقراری روابط دیپلماتیک موافقت

مردم هر دوسوی درگیری،
با دیده شک به مسائل می‌نگرند.
وضعیت نه جنگ و نه صلح شرایط
نامناسبی را برای طرفین ایجاد
کرده است. سرکوب ندای
مخالف به بهانه جنگ
دستاویزی است برای رشد
نیروهای امنیتی و نظامی که
در سایه آن طبقات خاصی منافع
سرشاری کسب می‌کنند

نخواهند کرد. ترکها نیز شرط برقراری روابط را تخلیه اراضی اشغالی قره باغ از سوی ارمنه و دست کشیدن از ادعای نسل کشی در سال ۱۹۱۵ می‌دانند. ترکها به خوبی می‌دانند در صورت پذیرش نسل کشی، ناگزیر خواهند بود به استناد تاریخی، ارمنستان غربی را به ارمنستان بازگردانند. آزارات کوه مقدس آرامنه است و به عنوان نماد ملی و تاریخی آنان شمرده می‌شود. هر روز صبح که شهروندان ارمنی، به ویژه ساکنان ایروان پایتخت ارمنستان، از خواب بیدار می‌شوند در جنوب، کوه آزارات را می‌بینند که در فاصله ای کوتاه اما در خاک ترکیه واقع شده است. آنان می‌خواهند کوه آزارات در قلمرو ارمنستان باشد. از این رو نوستالژی آرامنه در نگاه به ترکیه آشتی پذیر نمی‌نماید. از طرفی دیگر جمهوری آذربایجان نمی‌خواهد ارمنستان قدرت خود را بازیابد و با ترکیه، متحد اصلی

آذربایجان در منطقه، رابطه برقرار سازد. از این رو این معادله پیچیده می‌تواند کماکان مسکوت و لاینحل باقی بماند. شرایط موجود برای همه کشورهای منطقه سودآورتر و کم‌خطرتر است. بازتاب برقراری روابط یاد شده در جمهوری آذربایجان بحث‌انگیز بود. این بازتاب هم از سوی مقامات دولتی و هم احزاب و مردم گله‌آمیز و تاسف‌آور قلمداد شد.

درخواست ترکیه از ارمنستان برای عقب‌نشینی از قره‌باغ

یک روز پس از امضای توافقنامه عادی‌سازی روابط بین آنکارا و ایروان، نخست‌وزیر ترکیه خواستار عقب‌نشینی ارمنستان از قره‌باغ شد. به گزارش خبرگزاری فرانسه، در حالی که امضای توافقنامه عادی‌سازی روابط میان وزیران امور خارجه ترکیه و ارمنستان نوید بهبود روابط این دو کشور پس از سالیان دراز اختلاف را می‌داد، ترکیه شرط جدیدی برای ارمنستان تعیین کرد.

براساس این گزارش، رجب طیب اردوغان، نخست‌وزیر ترکیه حل اختلافات با ارمنستان را منوط به عقب‌نشینی این کشور از بلندی‌های قره‌باغ کرد. به گفته وی عقب‌نشینی ارمنستان از این منطقه، سبب تسریع روند عادی‌سازی شده و ایجاد جو مناسب برای بازگشایی مرزهای دو کشور خواهد بود. از سویی، رئیس‌جمهوری ارمنستان در پیامی تلویزیونی، مردم کشورش را به وحدت دعوت کرد.

به گزارش رسیده سرژ سرکیسیان پس از امضای توافقنامه عادی‌سازی روابط ترکیه و ارمنستان در شهر زوریخ در پیامی تلویزیونی خطاب به مردم کشورش گفت: بیش از هر زمان دیگری وحدت اقشار مختلف کشورش اهمیت دارد و ما با وحدت خود می‌توانیم با تحولاتی که اهداف ملی کشورمان را نقض کند، مقابله کنیم.

وی با اشاره به این که ما امروز تلاش می‌کنیم با کشوری روابطمان را عادی کنیم که در زمان حکومت عثمانی سیاست نابودی بخشی از ملت ارمنی در آن اعمال شد، افزود: با این وجود برای داشتن کشوری مستحکم، باثبات و توسعه یافته باید با همه کشورهای همسایه از جمله ترکیه روابط عادی برقرار کرد.^۲

موضع دولت ترکیه در خصوص مناقشه قره‌باغ در عین تلاش برای از سرگیری روابط با ارمنستان را می‌توان از زبان وزیر خارجه ترکیه به این صورت خلاصه نمود: «هم اکنون برای ترکیه خیلی مهم است که به دولت باراک اوباما توضیح دهد که در حل مناقشه قره‌باغ کوهستانی چه نقاط حساسی وجود دارد. قبل از سفر به آمریکا من با دیپلمات‌های آذری مذاکراتی انجام داده‌ام، ما

بطور مدام با آنها در ارتباط هستیم. برای ترکیه خیلی مهم است که آمریکا بر این مسئله تمام نظرات خود را متمرکز کند. ما علاقه زیادی از سوی واشنگتن نسبت به مناقشه قره باغ کوهستانی مشاهده کرده ایم. من بارها گفته ام و می‌خواهم تکرار کنم روند توسعه روابط میان ارمنستان و ترکیه به عنوان یک کاتالیزور برای حفظ روند قره باغ کوهستانی در عرصه بین‌المللی بوده است و خواهد بود. تلاش‌های ما هم برای انجام گرفتن این امر است. ما می‌خواهیم که به مردم آذربایجان بگوییم: مطمئن باشید که ما کنار شما هستیم.^۳»

روسیه

روسیه پس از تلاش‌های آمریکا برای حذف این کشور از منطقه قفقاز، بر فعالیتهای دیپلماتیک خود افزوده است، این کشور پس از جنگ با گرجستان در اوستیای جنوبی و کنترل اوضاع از اوت ۲۰۰۸، با جدیت بیشتری مسأله قفقاز را رصد می‌کند. حمله به اوستیای جنوبی و پس راندن نیروهای گرجی اعلام خطر مسکو به غرب برای نشان دادن اهمیت قفقاز در استراتژی روسیه بود که در بازنگری آئین نظامی روسیه نیز بدان توجه شده است.

بنا به گزارش روسیران، به نقل از خبرگزاری ایتارتاس، وزارت خارجه روسیه در ۱۶ مارس ۲۰۰۸ گزارش داد که این کشور آماده است تا به کمک فعالان خود در قالب گروه مینسک سازمان امنیت و همکاری برای اروپا به منظور تضمین ثبات و آرامش در قره باغ ناگورنو کمک کند.

وزارت خارجه روسیه که درباره رای گیری در سازمان ملل در خصوص منطقه قره باغ واکنش نشان می‌داد گفت که روسیه به همراه فرانسه و ایالات متحده آماده ادامه تلاش‌های فعالان در چارچوب گروه مینسک به منظور تکمیل هماهنگی اصول اساسی برای حل مناقشه قره باغ بین آذربایجان و ارمنستان است.

آذربایجان همچنان قره باغ را جزیی از خاک خود می‌داند، و نشست‌های گروه مینسک که آمریکا، فرانسه و روسیه جزیی از آن هستند تاکنون به نتیجه ای نرسیده است. در همین ارتباط ۲۴ اسفند ماه ۱۳۸۸ سازمان ملل خواستار خروج نظامیان ارمنستان از این منطقه شد، ضمن اینکه در قطعنامه ای که در این ارتباط به رای گیری گذاشته شد، فرانسه، روسیه و آمریکا با درخواست مجمع عمومی سازمان ملل متحد مبنی بر خروج نظامیان ارمنی از قره باغ مخالفت کردند.^۴

به گزارش ایتارتاس، «دیمیتری مدودف» که در اول جولای ۲۰۰۹ به آذربایجان سفر کرده بود،

در یک کنفرانس خبری گفت: آخرین دور مذاکرات انجام شده میان آذربایجان و ارمنستان در سن پترزبورگ نشان داد که هر دو طرف علاقه دارند تا مسائل خود را براساس قوانین بین‌المللی مورد بررسی و حل و فصل قرار دهند.

آمریکا

اگرچه ایالات متحده آمریکا دفتری در نیویورک در اختیار جنبش قره باغ قرار داده است و به آنان کمک مالی می‌کند که مورد اعتراض آذربایجان است، اما هیچگاه از استقلال قره باغ و جمهوری خودخوانده آن حمایت نکرده است. در تاریخ



۲۰ آذر، ۱۳۸۸ خبرگزاری ریا نووستی از ایروان گزارش داد که خانم «هیلاری کلینتون» وزیر امور خارجه آمریکا در جریان ارتباط تلفنی با «سرژ سرکیسیان» رئیس جمهور ارمنستان اعلام کرد که آمریکا خواستار حل مسالمت‌آمیز و درازمدت مناقشه قره باغ است.

اگرچه ایالات متحده آمریکا دفتری در نیویورک در اختیار جنبش قره باغ قرار داده است و به آنان کمک مالی می‌کند که مورد اعتراض آذربایجان است، اما هیچگاه از استقلال قره باغ و جمهوری خودخوانده آن حمایت نکرده است

به گزارش دفتر مطبوعاتی ریاست جمهوری ارمنستان، این تماس تلفنی به پیشنهاد طرف آمریکایی برقرار شد. در این گزارش که توسط خبرگزاری «نووستی - ارمنستان» منتشر شد، گفته می‌شود: وزیر امور خارجه آمریکا بار دیگر حمایت کشورش را

از حل مسالمت‌آمیز و درازمدت مناقشه قره باغ اعلام کرده و تاکید نمود که دولت آمریکا حل مسئله قره باغ و عادی شدن روابط میان ارمنستان و ترکیه را دو مسئله متفاوت می‌داند.^۵

در دیدار تیرماه ۱۳۸۹ خانم کلینتون از ایروان نیز در رابطه با مساله قره باغ مذاکراتی با مقامات ارمنی صورت گرفته است که از اهمیت خاصی برخوردار است، اما در باره این مذاکرات مطالبی در رسانه‌ها منتشر نشده است.

بویژه آنکه وزیر خارجه آمریکا در باکو با رئیس جمهور و وزیر خارجه آذربایجان نیز دیدار و گفت و گو داشته است که آنها از آمریکا خواسته‌اند نقش فعال تری در تحولات مناقشه قره باغ ایفا کند.

ایران

از آغاز درگیری ارامنه با آذربایجان بر سر مسأله قره باغ، ایران از موضع بی طرفی برخوردار کرده و در اوایل دهه ۹۰ قرن بیستم در یک فرایند ناموفق میانجیگری وارد شد که شاید به علت ناپختگی نتوانست موفقیتی کسب کند. آذربایجان ایران را به جانبداری و کمک به ارامنه در اشغال قره باغ متهم می‌کند و ایران تاکنون نتوانسته این جو بدبینی را از اذهان آذربایجان بزداید. با وجود کمک‌های بی دریغ ایران برای برقراری ارتباط زمینی نخجوان با خاک اصلی آذربایجان که بعد از جنگ ارتباط زمینی دو قسمت آذربایجان از هم قطع شده است، آذربایجان همیشه کمک‌های ایران را نادیده گرفته است و به تبلیغات سوء علیه تمامیت ارضی ایران ادامه می‌دهد. رشد اندیشه پان ترکیسم و کمک به گسترش آن از سوی مقامات دولتی و خصوصی و



محافل سیاسی آذربایجان دنبال می‌شود. با این حال ایران هیچگاه از توانهای خود برای پاسخ به آذربایجان بهره ننجسته است. موضع رسمی ایران، تفکیک ناپذیری قره باغ از آذربایجان است و بارها در مجامع بین المللی از تمامیت ارضی آذربایجان دفاع کرده، ادعای استقلال قره باغ را به رسمیت نشناخته و حق حاکمیت جمهوری آذربایجان بر قره باغ را مورد تاکید قرار داده است. با این وجود و همسایگی با قره باغ، ایران در فرایند مذاکرات صلح شرکت داده نشده است. هیچ یک

آذربایجان ایران را به جانبداری و کمک به ارامنه در اشغال قره باغ متهم می‌کند و ایران تاکنون نتوانسته این جو بدبینی را از اذهان آذربایجان بزداید. با وجود کمک‌های بی دریغ ایران برای برقراری ارتباط زمینی نخجوان با خاک اصلی آذربایجان که بعد از جنگ ارتباط زمینی دو قسمت آذربایجان از هم قطع شده است، آذربایجان همیشه کمک‌های ایران را نادیده گرفته است

از اعضای گروه مینسک با قره باغ همسایه نیستند و تمایلی به مشارکت ایران در این فرایند ندارند. با وجودی که مناطق اشغالی قره باغ حدود ۸۰ کیلومتر و ارمنستان ۴۰ کیلومتر با ایران هم مرز هستند و بیشترین آسیب‌های این درگیری متوجه ایران است، اما آمریکا، فرانسه و روسیه به عنوان قدرتهای فرامنطقه‌ای در گروه مینسک و در فرایند صلح شرکت دارند و ایران محروم است.

با پیشنهادهای ایران برای ورود به مسأله میانجیگری، وزیر امور خارجه ایران آمادگی تهران را برای میانجیگری در حل مناقشه قره باغ اعلام کرد. خبرگزاری «ریا نووستی» در ۴ دی ۱۳۸۸ از مسکو خبر داد که «تیگران سرکیسیان» نخست وزیر ارمنستان امکان حضور ایران در روند حل مناقشه قره باغ بعنوان میانجی را رد کرد. آن طور که سرکیسیان به خبرنگاران اطلاع داد، شکل میانجیان حل

مناقشه قره باغ دستخوش تغییر نخواهد شد.

به گزارش «Armenia Today»، سرکیسیان تاکید کرد که در سال آینده روند مذاکراتی در خصوص قره باغ در همان سطحی که بوده، حفظ خواهد شد.^۶ این در حالی است که وزارت خارجه در اول ماه می ۲۰۱۰ اعلام کرد که روسیه مخالفتی با میانجیگری ایران در مسئله قره باغ ندارد. خبرگزاری «ریا نووستی» از قول «آندره نسترنکو» سخنگوی وزارت امور خارجه فدراسیون روسیه اعلام کرد که روسیه هیچ مخالفتی با پیشنهاد ایران برای برگزاری دیدار سه جانبه وزرای خارجه آذربایجان، ارمنستان و ایران در رابطه با حل مسئله قره باغ ندارد. نسترنکو طی دیدار کوتاهی با خبرنگاران در تفسیر پیشنهاد ایران برای میانجیگری در حل مسئله قره باغ اظهار داشت: «ما هیچ مخالفتی با چنین دیداری نداریم. اگر چنین دیداری انجام شود، مسلم است که باید منتظر نتایجش بود و آنگاه درباره امکان میانجیگری ایران در حل مسئله قره باغ صحبت کرد».

نسترنکو تاکید کرد که در حال حاضر پیشنهاد ایران درباره شرکت در حل و فصل مسئله قره باغ تنها در رابطه با برگزاری چنین دیدار سه جانبه ای بوده است.^۷

پایان سخن

ارامنه پیش بینی می‌کردند که مساله قره باغ در سال ۲۰۰۹ یا ۲۰۱۰ حل خواهد شد. آرمن آشوتیان، نماینده مجلس ارمنستان، در ۱۹ مهرماه ۱۳۸۵ اظهار داشت که حل مشکل قره باغ در سال ۲۰۰۶ غیرممکن است. به گزارش خبرگزاری «رگنوم» وی همچنین گفت که با توجه به انتخابات پارلمان و ریاست جمهوری ارمنستان در سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸، «گشایش پنجره» در مشکل قره باغ تنها در سال ۲۰۰۹ یا ۲۰۱۰ ممکن خواهد بود. بنا به اظهار او میزان «گشایش» این پنجره بستگی به این دارد که چه کسی در ارمنستان قدرت را در دست گیرد. وی در ادامه سخنانش با اشاره به اهمیت برگزاری همه‌پرسی در قره باغ گفت: در این همه‌پرسی دو مسأله، یعنی استقلال کامل قره باغ به عنوان یک کشور دموکراتیک و مسأله حق انتخاب مردم این جمهوری، که مهم‌ترین نشانه دموکراسی است، حل خواهد شد.^۸

در پایان ۳۷مین نشست وزرای خارجه کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی در شهر دوشنبه در تاریخ بیستم می ۲۰۱۰ سه قطعنامه در رابطه با مناقشه قره باغ کوهستانی بین آذربایجان و ارمنستان صادر شد. در این قطعنامه‌ها ارمنستان به عنوان یک کشور اشغال‌گر اعلام شده است.

توفیق عبد الله اف سفیر آذربایجان در عربستان سعودی و نماینده آذربایجان در سازمان کنفرانس اسلامی در این مورد به خبرگزاری «ترند» گفت: قطعنامه اول یک قطعنامه سیاسی است و در آن ارمنستان بعنوان کشور اشغالگر اعلام شده و تا نشست بعدی سازمان کنفرانس اسلامی در قاهره بر نقطه عطف بودن آن تاکید شده است.

۳۷- مین نشست وزرای خارجه کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی در دوشنبه برگزار شد.. در این نشست ۸۰ هیئت نماینده از کشورهای عضو دائمی و عضو ناظر این سازمان شرکت کرده‌اند. توفیق عبد الله اف افزود: در قطعنامه اول که همه ساله تصویب می‌شود، یک تغییرات جدی صورت گرفته است. مناقشه قره باغ کوهستانی در سازمان کنفرانس اسلامی همیشه باید مذاکره شود، در غیر این صورت ما به عقب برمی‌گردیم. وی بیان کرد: در قطعنامه دوم ارائه کمکهای مالی برای آوارگان و پناهندگان آذربایجانی که بر اثر مناقشه قره باغ کوهستانی از سرزمینهای خویش رانده شده‌اند، در نظر گرفته می‌شود. به گفته وی، در قطعنامه سوم هم نابودی آثار باستانی تاریخی و دینی آذربایجان در مناطق اشغالی کشور از سوی ارمنستان افشا شده است.^۹

آریل کوئن کارشناس سرشناس آمریکا در امور مسایل روسیه و اوراسیا و انرژی جهانی در این باره اظهار داشته است که حق آزادی اراضی اشغالی در نظامنامه سازمان ملل متحد آمده و کشورهای عضو این سازمان آنرا قبول دارند و لذا اختلافات موجود در قبال قانون «نظامی» جدید آذربایجان زیاد اهمیت ندارد.

آریل کوئن در مصاحبه مکتوب خود به خبرگزاری «ترند» بیان کرد: به نظر من با در نظر گیری جنگ سالهای ۱۹۸۸ الی ۱۹۹۴ (بین آذربایجان و ارمنستان)، امکان استفاده از زور برای تامین تمایت ارضی آذربایجان وجود دارد. بر اساس نظامنامه سازمان ملل، گزینه نظامی برای آذربایجان محفوظ است. لازم به ذکر است پارلمان آذربایجان در روز هشتم ژوئن ۲۰۱۰ قانون نظامی آذربایجان را تصویب کرده است.^{۱۰}

قانون نظامی از ۷۵ بند عبارت است که مسایل زیر را در بر میگیرد؛ تهدیدات نظامی در منطقه، اشغال نظامی، تسلیحات نظامی، اشغال اراضی آذربایجان از سوی ارمنستان و وظایف نیروهای مسلح آذربایجان در این قبال، استراتژی فعالیت نظامی نیروهای مسلح آذربایجان، همکاریهای بین المللی در زمینه نظامی، قراردادهای نظامی آذربایجان با کشورهای مختلف و برخی مسایل دیگر.

در این لایحه قانونی ارمنستان بعنوان یک کشور اشغالگر اعلام شده است. آثار سوء اشغال

سرزمینهای آذربایجان از سوی ارمنستان و تمامی مسایل مربوط به تهدیدات آذربایجان نیز در این لایحه منعکس شده است. بر اساس این قانون، آذربایجان می‌تواند با تطبیق زور اراضی اشغالی کشور را آزاد کند.

ادوارد نعلبندیان وزیر امور خارجه ارمنستان ادعا کرده که قانون نظامی آذربایجان با قانون اساسی آذربایجان تضاد دارد. به گفته وی، بر اساس قانون اساسی آذربایجان، تطبیق زور برای آزادی اراضی اشغالی کشور منتفی است. لکن بر اساس همین بند قانون اساسی آذربایجان (بند ۹)، مداخله نظامی آذربایجان به تمامیت ارضی کشورهای دیگر ممنوع است و این بند شامل اراضی خود آذربایجان و قره باغ کوهستانی نمی‌شود.^{۱۱}

با این حال اگر آذربایجان برای آزادی اراضی خود اقدامی را انجام دهد، بر اساس نظامنامه سازمان ملل، این اقدام آذربایجان برای دفاع از خود خواهد بود.

اکنون جمهوری آذربایجان در شرایط مطلوبی از جهت آمادگی نظامی برای بازپس گیری اراضی اشغالی به سر می‌برد. سالهای ۱۹۹۴ تا کنون (۲۰۱۰) آذربایجان ارتش ملی خود را تقویت کرده، نیروی پلیس قدرتمندی تشکیل داده، تجهیزات و ادوات نظامی مدرن زیر نظر کارشناسان نظامی ناتو با استانداردهای اروپایی خریداری و بکار گرفته است. این کشور از سال ۲۰۰۵ که پروژه خط لوله باکو جبهان راه اندازی شده روزانه نزدیک به یک میلیون بشکه نفت خام به بازارهای جهانی صادر می‌کند که در سایه افزایش قیمت نفت در سالهای اخیر، درآمدهای قابل توجهی جذب کرده که ارمنستان از آن بی بهره بوده است. جمعیت آذربایجان به بیش از ۸ میلیون نفر رسیده در حالی که جمعیت ارمنستان در همان حد ۳ میلیون نفر باقی مانده است. آذربایجان و ارمنستان دو روند متفاوت یکی به سوی توسعه اقتصادی و دیگری به رکود اقتصادی سیر می‌کنند. آذربایجان روز به روز قدرتمندتر می‌شود. ارمنستان به دلیل نبود درآمدهای کافی، کمبود و ضعف منابع طبیعی و رشد اندک جمعیت، ضعف زیرساختهای اقتصادی و مسایلی دیگر با بحران روبه روست. مساله قره باغ و حمایت از ارامنه ساکن در آن و نبود حمایت از اعلام استقلال یک جانبه قره باغ از سوی جامعه جهانی با دشواریهای بسیاری روبه روست که ناگزیر ارمنستان را به سوی یک مصالحه با آذربایجان سوق خواهد داد. برای ارمنستان راهی جز پذیرش تقاضای جامعه جهانی برای تخلیه اراضی اشغالی باقی نمی‌ماند. در واقع خود مساله اشغال سرزمینهای کشور همسایه هزینه‌های زیادی بر ملت ارمنی تحمیل کرده است، هزینه هایی که می‌توانست دولت را در اجرای برنامه‌های توسعه رهنمون شود.

■ پاورقی

- ۱- تولید ناخالص داخلی این جمهوری از ۱۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۱ به ۴۶ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۸ رسیده است (گزارش بانک جهانی)
- ۲- روزنامه اطلاعات، ۲۰ مهر ۱۳۸۸، ۱۲ اکتبر ۲۰۰۹، شماره ۲۴۵۹۰
- ۳- برای ترکیه مهم است که دولت اوپاما بر مسئله قره باغ کوهستانی تمرکز کند. «ترند نیوز»، ۸ دسامبر ۲۰۰۹، مصاحبه اختصاصی خبرگزاری «ترند نیوز» با احمد داوود اوغلو وزیر خارجه ترکیه در سفر وی به واشنگتن.
- ۴- www.rusiran.com/archives/ ۱۶ مارس ۲۰۰۸
- ۵- آمریکا خواستار حل مسالمت آمیز مناقشه قره باغ است، خبرگزاری ریانووستی، ۱۴ مهر ۱۳۸۸
- ۶- حضور ایران در مساله قره باغ ممکن نیست، خبرگزاری ریانووستی ۱۳۸۸/۱۰/۴
- ۷- وزارت خارجه روسیه مخالفتی با میانجیگری ایران در مسئله قره باغ ندارد، سایت خبرگزاری ریانووستی ۱۳۸۹/۰۲/۱۱
- ۸- سایت خبری خبرگزاری رگنوم روسیه، به نقل از ایراس چهارشنبه ۱۹ مهر ۱۳۸۵
- ۹- سازمان کنفرانس اسلامی در رابطه با مناقشه قره باغ کوهستانی سه قطعنامه صادر کرد، خبرگزاری ترند، تاجیکستان، دوشنبه، ۲۹ اردیبهشت ۱۳۸۹ (۲۰۱۰/۵/۱۹)
- ۱۰- آیا آذربایجان از نیروی نظامی برای بازپس گیری قره باغ بهره خواهد گرفت، خبرگزاری ترند نیوز ۲۰۱۰/۶/۱۱
- ۱۱- سایت خبرگزاری ترند نیوز آذربایجان، باکو، ۲۱ خرداد ۱۳۸۹



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی